

تحلیل نشانه‌شناختی فمینیسم رسانه‌ای در رویکرد بی‌بی‌سی فارسی به مسائل زنان ایرانی

مهرداد کریمی^۱، محمد بهرام‌زاده^۲

چکیده

مسئله زنان، در رسانه‌های متنوع و فراگیر امروزی، اهمیت فراوانی دارد و بخش قابل توجهی از مطالب آنها را در بر می‌گیرد. توجه رسانه‌های برون‌مرزی همچون بی‌بی‌سی فارسی نیز، به‌ویژه طی چند سال اخیر، به مسائل گوناگون مطرح در حوزه زنان و به‌خصوص زنان ایرانی، بیشتر شده است. پرسش اصلی این است که تأثیر گرایش‌های فمینیستی در متون رسانه‌ای بی‌بی‌سی فارسی دربارهٔ زنان ایرانی چگونه است؟ روش پژوهش، تحلیل محتوای کیفی با رویکرد نشانه‌شناسی لایه‌ای بوده است. حجم نمونه، شامل متن‌های منتشر شده در تارنمای اینترنتی بی‌بی‌سی فارسی در بازهٔ زمانی ۱۳۹۷/۰۱/۰۱ تا ۲۱ مارس ۲۰۱۸ (۲۱ تا ۱۳۹۹/۰۶/۳۱) (۲۱ سپتامبر ۲۰۲۰) است که «زنان ایرانی» بحث اصلی و پررنگ در آنها بوده است. تعداد این متون که به شیوه نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شده‌اند، ۶۵ مورد است. نتیجه نهایی تحلیل‌ها نشان می‌دهد که این متون علی‌رغم گوناگونی موضوع، مانند لایه‌هایی به‌هم‌پیوسته، هم‌متنی شامل کلید واژه‌ها و نشانه‌های اصلی را شکل داده‌اند. بی‌بی‌سی فارسی با مفصل‌بندی این موضوع‌ها به یکدیگر در چارچوب ۴ رویکرد اصلی فمینیسم (لیبرال، مارکسیست، سوسیالیست و رادیکال) سعی می‌کند تصویری غیرواقعی و یکپارچه از فضای مردسالارانه ایران امروزی و شرایط نامساعد زنان ایرانی در آن را بازنمایی و القاء کند.

واژه‌های کلیدی: زنان ایرانی، فمینیسم، بی‌بی‌سی فارسی، نشانه‌شناسی لایه‌ای، بازنمایی رسانه‌ای.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۱۴

^۱. کارشناسی ارشد پژوهش هنر، دانشکده علوم نظری و مطالعات عالی هنر، دانشگاه هنر، تهران، ایران.

mehrech1@gmail.com

^۲. دکترای باستان‌شناسی، استادیار بنیاد ایران‌شناسی، تهران، ایران.

mohammadbahramzade@gmail.com



۱. مقدمه

در جهانی به سر می‌بریم که رسانه‌ها بیش از هر زمان دیگری ما را احاطه کرده‌اند و در عمل، جهانی رسانه‌ای شده را پدید آورده‌اند. اکنون هر رویداد کوچکی در دور افتاده‌ترین یا ناشناخته‌ترین نقاط جهان، امکان بازنشر شدن در رسانه‌های فراگیر و گسترده‌ی امروزی و جلب توجه تعداد پرشماری از مخاطبان را دارد و متن‌های گوناگون در شبکه‌ای به هم پیوسته از رسانه‌های دیجیتال، دیداری و شنیداری، می‌توانند قدرت خود را در برجسته کردن و تمرکز بر مسائل مختلف به نمایش بگذارند و آنها را به دغدغه‌ها و اولویت‌های مهم جامعه‌ها و نظام‌های سیاسی تبدیل کنند.

می‌توان گفت که در دوران حاضر، رسانه، کاری را انجام می‌دهد که رولان بارت، آن را اصلی‌ترین کارکرد اسطوره می‌داند، یعنی تبدیل کردن معنا به فرم. «ویژگی اسطوره چیست؟ تبدیل یک معنا به فرم. در واقع، هیچ چیز از دست اسطوره در امان نیست، اسطوره می‌تواند شمای درجه دوم خود را به کمک هر معنایی گسترش بدهد و از سلب خود معنا آغاز می‌کند» (بارت، ۱۳۷۵: ۵۸-۵۹). در واقع، امروزه رسانه‌ها و هنرها در اسطوره‌سازی معانی کارکرد کانونی و بنیادینی دارند. یکی از این حوزه‌ها، بازنمایی زنان است.

به‌عنوان مثالی متناسب با موضوع بحث، در نمایشی فمینیستی با نام متجاوز تو هستی^۱ که برای اولین بار در شیلی و به‌وسیله گروهی به‌نام لاس تزیس^۲ در سال ۲۰۱۹، طراحی و اجرا شد و در نقاط مختلف جهان مورد تقلید و تکرار قرار گرفت، تجاوز در قامتی مردانه شکل داده می‌شود که ابزارهای اعمال قدرت و حاکمیت را در اختیار دارد و قربانی، سیمایی زنانه می‌یابد که از آزادی در حق انتخاب محروم مانده است. چنین حرکت اجتماعی‌ای، رفته رفته در عرصه رسانه، حتی فارغ از تفاوت‌های زبانی و فرهنگی، به‌شکل نمایشی سرگرم‌کننده در می‌آید که معنای اولیه خود را فراموش می‌کند و تاریخ خود (دلیل شکل یافتنش) را از دست می‌دهد و به‌قول بارت، به جاودانگی می‌رسد؛ در حالی که داستان زنانی که واقعاً قربانی خشونت و تجاوز شده‌اند، در سرخوشی بازی‌گونه تکرار حرکت‌ها و جملات این نمایش، از یادها می‌رود و آنچه بر جای می‌ماند، تضادی آشکار میان دو دنیای متجاوز بالادست و قربانی فرودست است که برای یافتن تجسم تصویری، جلوه‌ای جنسیت‌زده پیدا کرده است. بدین‌سان، رسانه نه تنها آفریننده

¹. The Rapist is You

². Las Tesis



اسطوره است، که خود، یک اسطوره به شمار می‌رود. اکنون در قرن جدید، آن چه از هر اتفاق، یک داستان کامل و حتی دنباله‌دار می‌سازد، یعنی رسانه، شبکه گسترده جهانی^۱ و شبکه‌های اجتماعی و تعاملی در این بستر، زمینه را برای طرح گسترده و پر رنگ مسائلی از این دست، فراهم‌تر آورده است.

زنان، همواره در رسانه‌ها حضور داشته و گام‌به‌گام با پیشرفت آنها همراه بوده‌اند. اگر چه دلایل مختلفی را می‌توان در اهمیت یافتن مسائل زنان، به شکل و گستردگی امروزی، مؤثر دانست، اما می‌توان به‌طور کلی، تحولات فراگیر پس از جنگ جهانی دوم، سرعت گرفتن حرکت‌های اجتماعی و ایجاد دگرگونی در نقش‌های سنتی و متداول مردان و زنان در این دوران؛ و البته تقویت و طرح اندیشه‌های فمینیستی را، از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در این مسئله عنوان کرد.

به همین ترتیب، در دوره حاضر، طرح مسائل مربوط به زنان ایرانی نیز، شکل تازه‌ای به خود گرفته است و رسانه‌های (رسمی) مختلف فارسی‌زبان، بخشی از برنامه‌ها و فعالیت‌های خود را به زنان و مسائل مربوط به آنها، اختصاص داده‌اند. بی‌بی‌سی فارسی که از هشتاد سال پیش (۱۳۱۹ شمسی/۱۹۴۰ میلادی) با پخش برنامه‌های رادیویی آغاز به کار کرد و طی دو دهه اخیر، با راه‌اندازی تارنمای اینترنتی (از ۱۳۷۹ شمسی) و سپس، پخش برنامه‌های تلویزیونی (از ۱۳۸۷ شمسی)، فعالیت‌های رسانه‌ای و خبررسانی خود را گسترش داده است، از جمله رسانه‌هایی است که توجه جهت‌دار و ویژه‌ای به مسائل مرتبط با زنان و به‌خصوص زنان ایرانی نشان می‌دهد و در کنار متن‌ها و مطالب روزمره خود، همه ساله در مناسبت‌های مختلفی مانند روز جهانی زن یا رویدادهای مهم درباره زنان، ویژه برنامه‌هایی را تدارک می‌بیند و همراه با مقاله‌ها، یادداشت‌های تحلیلی، گزارش‌های خبری و متن‌های دیداری و شنیداری در این باره، پخش و منتشر می‌کند.

از سوی دیگر، نگاه به مسائل انسانی با دیدگاه و تقابل زنانه (زنانگی) و مردانه (مردانگی)، در چند دهه اخیر، همواره بحث برانگیز بوده است. بخش عمده‌ای از چالش‌ها و حرکت‌های اجتماعی درباره مسائل زنان، در ارتباط با طرح مفاهیم تازه‌ای از آن چه فمینیسم نام گرفته است، مورد توجه و بحث قرار می‌گیرد.

^۱. World Wide Web



به نظر می‌رسد که بی بی سی فارسی، دیدگاه‌های فمینیستی را محمل مناسبی برای پرداختن به مسائل زنان یافته است و به‌طور آشکار و پنهان، از نظریه‌های این جنبش و دیدگاه، در ارائه متن‌ها و تحلیل‌های خود، در حوزه‌های مربوط به زنان، بهره می‌برد. بر این اساس، پرسش‌های این مقاله عبارتند از:

پرسش اصلی:

- دیدگاه فمینیستی چه تأثیری بر تنظیم متون رسانه‌ای بی‌بی‌سی فارسی درباره زنان ایرانی در بازه زمانی مورد مطالعه داشته است؟

پرسش‌های فرعی:

- تأثیر کدام گرایش فمینیستی، بر عنوان، محتوا، واژه‌ها و عبارت‌های به کار رفته در متن‌های رسانه‌ای بی‌بی‌سی فارسی درباره زنان ایرانی، بیشتر و پررنگ‌تر دیده می‌شود؟
- نشاندار کردن، هم‌نشینی نشانه‌ها و استفاده از استعاره، چه نقشی در تنظیم محتوای متن‌های رسانه‌ای بی‌بی‌سی فارسی درباره زنان ایرانی داشته‌اند؟
- استفاده از کلید واژه‌ها و نشانه‌های نوشتاری در متن‌های رسانه‌ای بی‌بی‌سی فارسی در بازه زمانی مورد مطالعه، ترسیم‌کننده چه شرایطی برای زنان جامعه امروزی ایران هستند؟

۲. پیشینه پژوهش

پژوهش‌های حوزه نشانه‌شناسی در ایران زیاد بوده است مانند کرمانی و همکاران (۱۳۹۷)، اما مقاله حاضر درصدد بررسی برنامه‌های بی‌بی‌سی فارسی با رویکرد نشانه‌شناسی است. از آنجا که دامنه فعالیت تلویزیونی بی‌بی‌سی فارسی، در مقایسه با شکل‌های دیگر رسانه‌ای آن (تارنمای اینترنتی، رادیو و شبکه‌های اجتماعی در فضای مجازی)، گسترده‌تر و تعداد و تنوع مخاطبانش، پر شمارتر و فراگیرتر است، بیشتر مطالب، پژوهش‌ها و مقاله‌ها تاکنون، درباره برنامه‌های تلویزیونی این رسانه نوشته، انجام و منتشر شده است. فراهانی‌بورقانی (۱۳۹۳)، در مقاله‌ای با عنوان «نشانه‌شناسی و روایت‌شناسی ارتباطات کلامی و غیرکلامی اخبار شبکه بی‌بی‌سی فارسی»، به بررسی نقش ارتباطات غیرکلامی در انتقال ایدئولوژی به‌وسیله بی‌بی‌سی فارسی پرداخته است. این پژوهش سعی دارد تا از طریق روش‌شناسی کیفی، بررسی نشانه‌شناختی و روایت‌شناختی، چگونگی همراهی ارتباط غیرکلامی (همچون زبان بدن، ویژگی‌های لباس، آرایش مو و تصاویر)



را با ارتباط کلامی در فرایند انتقال پیام و با توجه به ویژگی‌های فرهنگی مخاطبان، تحلیل کند. «بررسی محتوای برنامه‌های شبکه تلویزیونی ماهواره‌ای بی‌بی‌سی فارسی»، عنوان مقاله‌ای است از محمدخانی‌ملکوه و فتحی (۱۳۹۰) که نویسندگان با بهره‌بردن از روش تحلیل محتوا و تحلیل گفتمان، شیوه‌های مورد استفاده، تکنیک‌ها و رویکردها در برنامه‌های تلویزیونی این رسانه را به‌منظور انجام مأموریت خبررسانی و تبلیغی خود در جهت جذب مخاطبان بررسی می‌کنند. نتایج این مقاله در بررسی ۲۵ برنامه «نوبت شما» که از تلویزیون بی‌بی‌سی فارسی پخش شده‌اند، مواردی همچون دامن زدن به شکاف نسلی با طرح محدود بودن آزادی و تبعیض بین دو جنسیت دختر و پسر در ایران، مرتبط کردن مسائل اجتماعی به مباحث سیاسی، القای رو به زوال رفتن سنت‌های قدیمی در بین جوانان و القای نبودن آزادی بیان در ایران را، به‌عنوان برخی از رویکردهای اصلی مطرح شده در این برنامه‌ها، معرفی می‌کند.

با این حال، نگاه ویژه به مسائل زنان در بی‌بی‌سی فارسی، تعداد کمتری از پژوهش‌ها، متن‌ها و مقاله‌های منتشر شده را در این میان، تشکیل می‌دهد. یکی از مرتبط‌ترین مقاله‌ها با این موضوع، «مقایسه تطبیقی اخبار زنان در سایت‌های واحد مرکزی خبر، بی‌بی‌سی فارسی و صدای آمریکا در سال ۱۳۸۸»، نام دارد که به‌وسیله نعمتی‌انارکی و همکاران (۱۳۹۰) نوشته شده است. مطالعه تطبیقی عملکرد سایت‌های خبری یاد شده در عنوان مقاله و تحلیل اخبار مربوط به زنان از بُعد تکنیک‌های تبلیغی و اقناعی، در بازه زمانی سال ۱۳۸۸ در آنها، به‌عنوان هدف اصلی مقاله ذکر شده است. این تحقیق، از نظریه برجسته‌سازی، برای مطالعه و تبیین شیوه‌های استفاده شده در تارنماهای مربوطه، بهره برده است. نوع جهت‌گیری در مورد زنان، محل وقوع رویدادها، رعایت عینیت در خبر، نحوه استفاده از اقناع، وجود خبرهای فمینیستی و نوع دیدگاه فمینیستی، برجسته کردن مشکلات زنان و نوع این مشکلات، از جمله موارد مورد مطالعه در جدول‌های تطبیقی این مقاله هستند که در نتیجه، تفاوت معناداری را بین تارنماهای مورد مطالعه درباره نحوه استفاده از اقناع، رعایت عینیت در خبر و نوع دیدگاه فمینیستی، نشان می‌دهد. این مقاله همچنین به این نتیجه می‌رسد که تارنماهای بی‌بی‌سی فارسی و صدای آمریکا، بیش از واحد مرکزی خبر (ایران)، به مشکلات سیاسی، مذهبی، اجتماعی و حقوقی پرداخته‌اند و سعی در دامن زدن و پررنگ نشان دادن آنها داشته‌اند. مطالعه پیشینه پژوهش نشانگر این است که تاکنون مقاله‌ای با پرسش‌ها، رویکرد و روش پژوهش حاضر منتشر نشده است و نتایج این مقاله، می‌تواند مکمل پژوهش‌های پیشین باشد.



۳. چارچوب نظری

مطالعات گوناگون، نمایانگر تلاش‌های زنان برای احقاق حقوق خود و مقاومت در برابر رسم‌ها، باورها و قوانین و مقررات محدود کننده و تحمیل شده بر ایشان در طول دوره‌های مختلف تاریخی است. اما این تلاش‌ها و فعالیت‌ها با رویدادهایی نظیر شکل گرفتن شهرهای بزرگ اروپایی، رنسانس و انقلاب صنعتی، سرعت و شدت بیشتری گرفت و در قرن بیستم، به‌ویژه در فاصله جنگ‌های جهانی اول و دوم و سال‌های پس از آن، گسترش و قدرت فزاینده‌تری یافت و در قرن حاضر نیز ادامه پیدا کرد (میشل، ۱۳۸۳: ۱۳۶-۵۰). دیدگاه‌های مبتنی بر دیرینه‌شناسی، هنگامی که سعی در تبیین روابط میان موجودات و اجتماع‌های ایشان داشتند، به‌ویژگی‌های دو جنس نر و ماده و تفاوت‌های میان آنها پرداختند و برخی از نظریه‌ها، از برتری یک جنس بر دیگری، سخن گفتند. ماریجا گیمبوتاس^۱ زبان‌شناس و باستان‌شناس آمریکایی لیتوانیایی تبار، در کتابی که با نام *زبان الهه* به نگارش درآورده، «به بررسی طرح‌ها و نشانه‌های اشیای مورد پرستش انسان در دوره نوسنگی اروپا پرداخته و بر همین اساس معتقد است که دو سیستم مذهبی- اجتماعی «الهه صلح‌جو و مساوات‌طلب» و «پدرسالاری ستیزه‌جو» وجود داشته است» (فرشی‌هماپون‌روز، ۱۳۸۳: ۳۱). که آنها را مربوط به دوران قبل و بعد از ورود مهاجران به اروپا بر می‌شمارد.

در هر حال، اصرار بر این دوگانگی و فرودست دانستن زنان که در روابط قومی- قبیله‌ای، خانوادگی و اجتماعی با قوانین نانوشته و نوشته دچار محدودیت و محرومیت از حقوق برابر شده بودند از یک سوی و اصرار بر برتری مردان در نظام خانواده و اجتماع و ایفای نقش‌های پررنگ‌تر و مهم‌تر اجتماعی از سوی دیگر، جنبش‌هایی به‌وسیله زنان را در پی داشت که از اواخر قرن نوزدهم شناخته‌تر شد. این جنبش‌ها، از اواسط قرن بیستم به این سو، صدایی رساتر و تأثیرگذاری‌ای بیشتر یافت و با عنوان فمینیسم، رسمیتی بیش از پیش پیدا کرد.

۳-۱. گرایش‌های فمینیسم

چهار نگرش فمینیستی، شناخته شده‌تر و معرفی شده‌تر از سایر گرایش‌ها هستند. لیبرال (اصلاح‌طلب)، مارکسیست، رادیکال و سوسیالیست. «هر چهار نگرش به علل ستم‌دیدگی زنان می‌پردازند و هر کدام برای چیرگی بر آن، راهبردهایی پیشنهاد می‌کند» (آبوت والاس، ۱۳۸۷: ۳۲). آبوت و والاس که

^۱. Marija Gimbutas



معرفی گرایش‌های فمینیستی در بریتانیا را در بخشی از کتاب خود با عنوان *جامعه‌شناسی زنان*، گنج‌انیده‌اند، درباره این گرایش‌ها می‌گویند: «هدف لیبرال فمینیسم بر ملا کردن شکل‌های آشکار تبعیض علیه زنان در بریتانیا و پیکار برای اصلاحات قانونی و امثال آن به‌منظور رفع این تبعیض است. فمینیست‌های مارکسیست، دلیل عمده ستم بر زنان را جلوگیری از ورود ایشان به عرصه عمومی تولید می‌دانند و مبارزه زنان برای رهایی را جزئی جدایی‌ناپذیر از پیکار طبقه کارگر (پرولتاریا) برای سرنگونی سرمایه‌داری به‌حساب می‌آورند. برای رادیکال فمینیست‌ها، کنترل مردان بر زنان (مردسالاری)، مسئله‌ای اصلی است و معتقدند که زنان برای رهایی خود از قید این کنترل، راهی جز پیکار ندارند. فمینیست‌های سوسیالیست، ستم بر زنان را علاوه بر سرمایه‌داری، به مناسبات مردسالارانه نسبت می‌دهند. تمایز عمده میان نظریه‌های فمینیستی، در درکی است که از علل سرکوب زنان دارند» (همان). در واقع، کلید واژه‌های سه گرایش لیبرال، مارکسیست و سوسیالیست بر اساس رویکردها و نظریاتشان، به ترتیب، عبارتند از: انجام اصلاحات (به‌ویژه اصلاحات قانونی)، پیکار طبقه کارگر با سرمایه‌داری و حضور پر رنگ در عرصه تولید و سرانجام، لزوم مقابله با مظاهر سرمایه‌داری و نظام مردسالارانه به‌عنوان دو حیطة مجزا و مؤثر در تداوم ستم بر زنان. در حالی که «رادیکال فمینیست‌ها، ستم بر زنان را مسئله‌ای اساسی و بنیادین می‌دانند.» (همان: ۳۳-۳۴). به گفته جسیکا مگاری^۱، «فمینیسم رادیکال، مردسالاری را به‌عنوان سیستمی انطباق‌پذیر می‌شناسد که از دیگر نظام‌های سلطه تغذیه می‌کند و این رویه‌ای است که در دوره‌های مختلف تاریخی و زمینه‌های گوناگون فرهنگی به شکل‌های متفاوتی تجلی می‌یابد.» (Megarry, 2020: 43). بنابراین، مبارزه همیشگی با آنچه مردسالاری و نظام مردسالارانه خوانده می‌شود، کلیدواژه اصلی فمینیست‌های رادیکال است. مسئله هویت از جمله مسائل مورد توجه فمینیسم رادیکال نیز بوده است، البته با فرض چند لایه بودن و پیچیدگی‌های خاص این هویت. در حالی که آرمان لیبرال‌ها، برابری زن و مرد به شمار می‌رفت، «فمینیسم رادیکال یا متفاوت، با توجه ویژه به هویت خاص زنان، پدیدار شد. مسئله این موج دوم فمینیسم، گرفتن این فرض بود که هویت زنان [به‌طور خاص] وجود دارد و قابل شناسایی است. سپس در زمان مقتضی، فمینیسم وارد موج سوم یا فاز ساختارشکنانه شد. مرحله‌ای که در آن، هم‌زمان بر هویت زنان به‌عنوان [وجودی] نهادینه شده به جای بخشیده شده و چند لایه به جای ساده، تأکید شده است» (Buchanan & Colebrook, 2000: 10).

^۱. Jessica Megarry



تولید محتوای رسانه‌ای مروج اندیشه‌های فمینیستی، از سال‌های دهه ۱۹۷۰ میلادی، شکل جدی‌تر و گسترده‌تری پیدا کرد (ریو- سارسه، ۱۳۸۵: ۱۷۷-۱۷۶). کمی قبل‌تر از آن، در اوایل دهه شصت میلادی (۱۹۶۳)، بتی فریدان^۱، که از زنان پیشرو در جنبش فمینیسم و نویسنده کتاب *جذبۀ زنانه*^۲ بود، به نقش رسانه‌ها در پیشبرد اهداف جنبش فمینیسم پی برد و با پایه‌گذاری سازمانی با نام سازمان ملی زنان^۳، ایشان را به حضور و فعالیت در عرصه رسانه تشویق نمود. «سازمان ملی زنان، از همان ابتدا بر نقش رسانه‌ها به عنوان اهرمی برای تغییر اجتماعی تأکید کرد. نتیجه تجربه و باور فریدان به قدرت رسانه، گرد آمدن زنان فعال در این عرصه در اطراف او و برانگیخته شدن تمایل ایشان به استفاده از ابزار رسانه [برای بیان عقاید و اهدافشان] بود» (Bradley, 2003: 29). موضوع نادیده انگاشتن زنان، به‌ویژه در رسانه‌ها، به طور ویژه برای فمینیست‌ها با نظر تاچمن^۴ (۱۹۷۸) تعریف شده است. «در زمینه مطالعات رسانه‌ای فمینیستی، یکی از اولین نقطه‌های عطف در عرصه بازنمایی، عنوانی است انتخاب شده از سوی گی تاچمن که با عبارت *نابودی نمادین* معرفی شده است تا شرح دهد که چگونه زنان اغلب از محتوای رسانه‌ای حذف می‌شوند و یا در نقش‌هایی همچون قربانی یا مادر نالایق، به نمایش در می‌آیند. تاچمن اذعان کرد که نه تنها خود زنان، بلکه علایق و مسائل مربوط به ایشان نیز در فضای رسانه‌ای به حاشیه رانده می‌شود» (Harp & others, 2018: 5).

۳-۲. تحلیل نشانه‌شناختی (به‌مثابه نظریه و روش)

دانش نشانه‌شناسی در دوره جدید، با نام فردینان دو سوسور^۵ (زبان‌شناس سوئیس قرن نوزدهم) و فیلسوف آمریکایی معاصر او، چارلز پیرس^۶ شناخته می‌شود. به گفته سوسور، «علمی که نشانه‌ها را در جامعه مطالعه می‌کند، علمی قابل قبول است. نشانه‌شناسی نشان می‌دهد که چه چیزهایی، نشانه‌ها را شکل می‌دهند و چه قواعدی بر آنها حاکم هستند» (دانسی، ۱۳۸۸: ۵۷). البته اشاره به این نکته مهم است که «نشانه‌شناسی قبل از آن که با مفهوم نشانه منفرد سر و کار داشته باشد، به بررسی نظام‌های نشانه‌شناختی و کارکرد اجتماعی آنها می‌پردازد»

1. Betty Friedan

2. The Feminine Mystique

3. the National Organization for Women (NOW)

4. Gaye Tuchman

5. Ferdinand de Saussure

6. Charles Sanders Peirce



(سجودی، ۱۳۸۳: ۵۱). اگر چه سوسور از رابطه میان دال و مدلول که منجر به دلالت می‌شود سخن می‌گوید، اما فیلسوفی همچون دریدا^۱ با عبور از دوگانگی مورد نظر سوسور، معنای دال-ها را با چگونگی و بستر کاربرد آنها مرتبط می‌داند. بنابراین، هنگامی که واژه‌ها به عنوان نشانه‌های نوشتاری در بستری به نام متن با یکدیگر پیوند می‌یابند؛ بسته به نوع کلمات و چگونگی همنشینی آنها با یکدیگر و ارجاع به مفاهیم مختلفی که به واسطه پیشینه و عمومیت کاربردهای آنها در نزد مخاطب یافته‌اند، نظامی معنایی را شکل می‌دهند. چنانچه رسانه بتواند از این طریق، نظام معنایی مطلوب خود را در نزد مخاطبان تثبیت کند و با نزدیک شدن به سابقه ذهنی ایشان از مفاهیم مورد نظر، رضایت و توجه آنها را برانگیزد، امکان هژمونیک کردن گفتمان خود را می‌یابد.

براساس روش (رویکرد) نشانه‌شناسی لایه‌ای که فرزاد سجودی در کتاب *نشانه‌شناسی کاربردی* مطرح کرده است، نشانه به‌مثابه متن، مطالعه می‌شود و به‌صورت منفک و قائم به خود وجود ندارد. متن نیز «شبکه‌ای باز است از لایه‌های متنی متفاوت که خود، حاصل رمزگان‌های متفاوتند. این لایه‌ها، هم دارای سازمان درونی هستند و هم سازمان بیرونی؛ و بر اساس روابط و نظم بخصوصی شکل می‌گیرند و بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند» (سجودی، ۱۳۸۳: ۱۶۲). در این مطالعه، رابطه متقابل لایه‌های متنی یاد شده با یکدیگر اهمیت فراوانی دارد، به گونه‌ای که این ارتباط، شبکه‌ای قابل گسترش به شکل بی‌انتهای پدید می‌آورد. متن، با استفاده از ابزارهای رسانه-ای، عینیت مادی پیدا می‌کند. چنین نظام گسترده و پیچیده‌ای از لایه‌های متنی و نظام رمزگان حاکم بر آنها، با کمک دانش شناختی تفسیر می‌شود. این دانش نیز، نظامی جداگانه و غیرقابل تغییر نیست، بلکه در تعامل و تأثیر و تأثر متقابل با سایر نظام‌های رمزگان، رشد و گسترش می‌یابد. در این زمینه، مارسل دانسی، از اصطلاح هم‌متن^۲ یاد می‌کند و این اصطلاح را برای تعریف متنی به کار می‌برد که «تصور پیوند میان چیزهایی را ممکن می‌سازد که در غیر این صورت، به شکل متن‌های بی ربط جدا تلقی می‌شدند» (دانسی، ۱۳۸۸: ۱۲۱). به گفته دانسی، «هم‌متن، این کار را از طریق ترکیب ساده آنها، به شیوه‌ای سازمان‌یافته انجام می‌دهد» (همان: ۱۲۱). اگر چه دانسی از این عبارت برای بیان ویژگی اصلی روزنامه بهره می‌برد، اما شکل گرفتن هم‌متن در بستری

1. Jacques Derrida

2. syntax



تلفیق یافته از متن‌های مختلف و یا متفاوت که با حلقه‌های اتصالی به نام خبر، تحلیل و تفسیر به یکدیگر ارجاع داده شده و پیوند می‌یابند، در دل ابرمتنی^۱ مانند اینترنت نیز، امکان‌پذیر است.

۴. روش شناسی

روش پژوهش، تحلیل محتوای کیفی با رویکرد نشانه‌شناسی لایه‌ای است. «تحلیل محتوای کیفی، از داده‌های متنی پراکنده حرکت می‌کند و با بیرون کشیدن مفاهیم مستتر در آن، به تدریج به سطوح انتزاعی تری از متن دست می‌یابد» (تبریزی، ۱۳۹۱: ۱۲۳). بر این اساس تلاش شده است، چگونگی تنظیم متن‌های خبری، گزارش‌ها و مطالب منتشر شده در رسانه بی‌بی‌سی فارسی درباره مسائل مربوط به زنان ایرانی، مورد مطالعه قرار گیرد. با توجه به دشواری دسترسی به آرشیو کامل مطالب مربوط، به دلیل تغییرات انجام گرفته در تارنمای اینترنتی این رسانه که مهم‌ترین مرجع گردآوری اطلاعات در دسترس آن محسوب می‌شد، متن‌های مرتبط با موضوع پژوهش، از مورخ ۱۳۹۷/۰۱/۰۱ (۲۱ مارس ۲۰۱۸) تا ۱۳۹۹/۰۶/۳۱ (۲۱ سپتامبر ۲۰۲۰) به‌عنوان جامعه آماری گردآوری شد. دلیل انتخاب بازه زمانی یاد شده، وجود نمونه‌های مناسبی از تیترا و محتوای متن‌های رسانه‌ای به کار رفته از سوی این رسانه در این فاصله زمانی، برای تحلیل کیفی (با رویکرد نشانه‌شناسی لایه‌ای) بود. شایان ذکر است که در متون رسانه‌ای بازه زمانی مذکور، برخی متن‌های مربوط به سال‌های قبل مشاهده شد که دوباره در متن‌های این بازه زمانی مورد ارجاع قرار گرفته‌اند. برای تقویت تحلیل‌ها و افزایش پایایی پژوهش، این متن‌های ارجاعی نیز به‌طور مستقل بررسی شده‌اند. حجم نمونه به‌شکل هدفمند و بر اساس سه معیار زیر از جامعه آماری مذکور انتخاب شده است: ۱- متن، مستقیماً درباره زنان ایرانی بوده یا به موضوع زنان ایرانی اشاره داشته‌اند؛ ۲- متن، به‌وضوح اشاره‌های نشانه‌شناسانه را برای تنظیم متن خود (در تیترا و محتوا) مورد استفاده قرار داده‌اند و ۳- وجود اندیشه‌ها و کلید واژه‌های فمینیستی در متن، پر رنگ و واضح بوده است. بر این اساس، در پژوهش حاضر، ۶۵ متن بی‌بی‌سی فارسی، از مجموع مطالب گردآوری شده درباره زنان ایرانی، شامل خبر، مقاله و گزارش نوشتاری و ویدیویی، منتشر شده در تارنمای این رسانه در بازه زمانی مذکور، برای تحلیل مورد استفاده و مطالعه قرار گرفته‌اند.

^۱. Hypertext



۵. تحلیل داده‌ها و یافته‌های پژوهش

آنچه در مطالعه موردی متن‌های بی‌بی‌سی فارسی درباره زنان ایرانی، در گام نخست، مورد توجه قرار می‌گیرد، تمرکز این رسانه بر چند محور یا زمینه اصلی، برای نشان دادن شرایط زنان ایرانی است. به این معنا که چند زمینه اصلی که زنان در آنها دچار محدودیت و مشکل نشان داده شده‌اند، پررنگ‌تر شده و همگی در بافت فراگیرتری که ایران امروزی را در بر می‌گیرد، تجلی و ظهور می‌یابند. این تقسیم‌بندی با توجه به کلیدواژه‌ها و مفاهیم به کار رفته در تیتر یا محتوای متن‌های منتشر شده، انجام گرفته و در جدول شماره یک، دسته‌بندی شده‌اند.

جدول شماره ۱- دسته‌بندی موضوعی متن‌های بی‌بی‌سی فارسی درباره زنان ایرانی با توجه به زمینه و بافت

مورد مطالعه

ردیف	موضوع	تعداد عنوان	اشاره مستقیم به موضوع در تیتر	اشاره به موضوع در محتوا	زمینه و بافت موضوعی متن (با توجه به تیتر و محتوا)
۱	نادیده گرفته شدن و محو عمده نقش اجتماعی زنان	۱۵	۱۱ عنوان	۴ عنوان	هنر. جنگ. بلایای طبیعی. انقلاب. تکنولوژی و توسعه. مسائل پزشکی و فیزیولوژیک. مسائل جنایی. حقوق اجتماعی.
۲	سلب حقوق و آزادی‌های اجتماعی زنان	۲۳	۲۲ عنوان	۱ عنوان	دین و مذهب. انقلاب. حجاب. حقوق بین‌المللی. حقوق اجتماعی. هنر. برخورد خشن رسمی و حکومتی. خشونت خانگی.
۳	تلاش‌ها، مبارزات و محاکمه زنان	۱۶	۱۲ عنوان	۴ عنوان	محاکمه و حبس. جنبش و فعالیت مدنی. فعالیت در عرصه‌های رسمی و حکومتی. آموزش. هنر. دادخواهی. برخورد خشن رسمی و حکومتی. دین و مذهب.
۴	محدودیت‌ها در ورزش زنان	۱۱	۱۰ عنوان	۱ عنوان	حجاب. جنبش و فعالیت مدنی. حقوق اجتماعی. محاکمه و حبس. هنر. مسائل پزشکی و فیزیولوژیک.



در جدول شماره ۲، تعداد کاربرد مفاهیمی که به زمینه و بافت موضوعی متن (با توجه به تیترو محتوا) دلالت دارند، مورد اشاره قرار گرفته است. این موارد، در واقع بسترها و زمینه‌هایی هستند که مطالب و متن‌های منتشر شده مورد مطالعه در بی‌بی‌سی فارسی درباره زنان ایرانی، در آنها بازنمایی و شرح داده شده‌اند و از این زمینه‌ها، برای ترسیم و تشریح مسائل مربوط به ایشان، استفاده شده است.

جدول شماره ۲- تعداد کاربرد و فراوانی مفاهیم مربوط به بافت و زمینه موضوعی متن‌های جدول یک.

ردیف	زمینه و بافت موضوعی متن (با توجه به تیترو محتوا)	تعداد تکرار در متن‌های مورد مطالعه	فراوانی در گروه‌های موضوعی جدول شماره ۱
۱	هنر	۹	۴
۲	حقوق اجتماعی	۹	۳
۳	حجاب	۸	۲
۴	دین و مذهب	۶	۲
۵	جنبش و فعالیت مدنی	۵	۲
۶	محاکمه و حبس	۵	۲
۷	مسائل پزشکی و فیزیولوژیک	۴	۲
۸	حقوق بین‌المللی	۳	۱
۹	بلاایای طبیعی	۲	۱
۱۰	انقلاب	۲	۲
۱۱	تکنولوژی و توسعه	۲	۱
۱۲	مسائل جنایی	۲	۱
۱۳	برخورد خشن رسمی و حکومتی	۲	۲
۱۴	فعالیت در عرصه‌های رسمی و حکومتی	۲	۱
۱۵	جنگ	۱	۱
۱۶	خشونت خانگی	۱	۱
۱۷	آموزش	۱	۱
۱۸	دادخواهی	۱	۱

بر اساس جدول شماره ۲، هنر و حقوق اجتماعی، مفاهیمی بوده‌اند که بیشترین تعداد زمینه‌ها و بافت‌ها برای ارائه متن‌های رسانه‌ای درباره زنان ایرانی در میان نمونه‌های مورد مطالعه را به خود اختصاص داده‌اند و هنر، تنها مفهومی است که در هر چهار گروه موضوعی جدول شماره



یک، دیده می‌شود. دلیل اصلی این فراوانی، نقشی است که به دفعات، برای هنر به‌عنوان بازتاب‌دهنده مسائل و موضوع‌ها در نظر گرفته شده است.

۵-۱. نادیده گرفته شدن و محو عمدی نقش اجتماعی زنان

از منظر جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی، انسان‌ها دارای نقش‌های گوناگونی هستند. هر انسان، در خانواده، اجتماع، محیط کار و عرصه‌های فعالیت‌های خود، دارای نقش‌های مختلفی است که بخشی از هویت اجتماعی (و فردی) او را شکل می‌دهند. از دیدگاه نشانه‌شناسی، افراد با این نقش‌ها، نشاندار می‌شوند (سجودی، ۱۳۸۳: ۵۶-۵۵). این نکته از آن جهت اهمیت می‌یابد که افراد، با این نقش‌ها، شناخته می‌شوند یا خود را می‌شناسانند. به گفته گیدنز «نقش‌ها انتظاراتی هستند که از نظر اجتماعی تعریف شده‌اند و فرد در پایگاه یا موقعیت اجتماعی معینی از آنها پیروی می‌کند. چگونگی رفتار ما بستگی به نقش‌هایی دارد که در یک زمان معینی بازی می‌کنیم. افراد نسبت به این که دیگران چگونه به آنها می‌نگرند بسیار حساس هستند و شکل‌های متعدد تأثیرگذاری را به کار می‌برند تا آن گونه که می‌خواهند، دیگران به آنها واکنش نشان دهند» (گیدنز، ۱۳۸۱: ۱۳۳). این مسئله، به اجتماع یا بافتی که فرد در آن حاضر است و زندگی می‌کند نیز بستگی دارد (و از این نظر، امری نسبی به‌شمار می‌آید). نکته‌ای که از این مسئله دریافت می‌شود، پیچیدگی (و نسبی بودن) نشانه‌های صوری (یا موقعیتی) اشخاص در بافت‌های گوناگون است.

آن چه بی‌بی‌سی فارسی در متن‌های خود، درباره مسائل زنان ایرانی انجام می‌دهد، ساده کردن و خلاصه کردن بافت، در یک موقعیت ویژه تعریف شده است: یعنی ایران و جامعه ایران. ایران به‌معنای تاریخی، فرهنگی، اجتماعی، جغرافیایی و سیاسی آن، به همراه جامعه ساکن در خود، بافتی است که بی‌بی‌سی فارسی، به‌طور مکرر و در متن‌های پر شمار خود، با واژه‌های «مردانه»، «مردسالار» یا «پدرسالار»، معرفی و نشاندار می‌کند.

از دیدگاه فمینیسم رادیکال، تعریف پدرسالاری عبارت است از «نظام خانوادگی، اجتماعی، عقیدتی و سیاسی‌ای که در آن، مردان، به‌طور مستقیم از طریق زورگویی‌های آشکار و به‌شکل غیرمستقیم، به‌وسیله آداب، سنت‌ها، قانون و نیز به کمک زبان، آموزش، لباس، تفکر قالبی و در چارچوب تقسیم کار، تعیین می‌کنند که زنان چه وظایفی دارند و چه نقش‌هایی را باید یا نباید بازی کنند (داشته باشند)، تا همواره تحت سیطره جنسیتی، باقی بمانند» (Rich, 1977: 57). بی‌بی‌سی فارسی، این مفهوم و مفاهیم مشابه آن را، به زمینه‌های گوناگونی بسط داده است و



چنین القا می‌کند که در چنین محیط مردسالارانه‌ای، زنان فرصت و امکان ایفای نقش و ابراز وجود پیدا نمی‌کنند یا این که نقش و جایگاه آنها، به عمد، نادیده انگاشته می‌شود. نمونه‌های زیر، برخی عبارت‌ها و جمله‌های نوشته شده در مطالب مختلف این رسانه، دربارهٔ مسائل زنان ایران را که در آنها از عبارت‌های یاد شده در بالا، استفاده شده است، نشان می‌دهد:

- بافت پدرسالار ادیان... (ذات حکومت دینی با زن‌ستیزی گره خورده است. تارنمای بی‌بی‌سی فارسی/۱۶ اسفند ۱۳۸۹).

- قرائت ایدئولوژیک مذهبی و مردانه... (اسرای زن و زنان فراموش شده جنگ ایران و عراق. تارنمای بی‌بی‌سی فارسی/۲۶ مرداد ۱۳۹۸).

- تلاش برای شکستن ساختار مردسالارانهٔ نظام سیاسی ایران... (اعظم طالقانی، ترسیم چهره مدرن از زن مسلمان. تارنمای بی‌بی‌سی فارسی/۸ آبان ۱۳۹۸)

- به جمهوری مردانه رأی داده بودم... (انقلاب و زنان، اجباری شدن حجاب و باقی محدودیت‌ها در آیین مطبوعات آن روزها. تارنمای بی‌بی‌سی فارسی/۱۳ بهمن ۱۳۹۷)

- همه این پیشرفت‌ها در جامعه‌ای به دست آمده است که گفتمان رسمی و مطالب درسی آن، آشکارا مردسالارانه و زن‌ستیز است...؛ در کنار گفتمانی که وظیفه پاسداری از نظم مردسالارانه را به عهده دارد...؛ جمهوری اسلامی با وجود فرهنگ مردسالارانه...؛ حضور همه‌جانبه گفتمان مردسالارانه در جامعه... (آموزش زنان، عامل دگرگونی جامعه ایران. تارنمای بی‌بی‌سی فارسی/۱۸ اسفند ۱۳۸۹)

- تسلط گفتمان مردسالاری و سیاست‌های غلط جنسیتی بر درک وضعیت زنان... (بحران سیل؛ آیا زنان قربانیان اصلی فجایع طبیعی هستند؟ تارنمای بی‌بی‌سی فارسی/۲۳ فروردین ۱۳۹۸)

- میترا، شهلا، پرستو و گزارش قتل یک زن به روایت جامعهٔ مردسالار (تیترا مطلب. تارنمای بی‌بی‌سی فارسی/۳ مرداد ۱۳۹۸)

این شکل از ساده و یکپارچه کردن بافت، دو امکان را در اختیار رسانه یاد شده قرار می‌دهد: نخست، ایجاد تقابل و تمایز معنایی بین موضوع متن‌ها (زنان) و بافت نشاندار شده با عنوان مردانه و البته تأکید بر تضاد هر چه بیشتر، با کاربرد واژه‌هایی همچون مردسالار و مردسالارانه؛ و دیگری، سهولت تقسیم‌بندی بافت یکپارچه شده به تکه‌ها و قسمت‌های مختلف، به نحوی که جبران‌کننده نادیده انگاشتن پیچیدگی‌ها و ویژگی‌های بافت (نسبت به متن و به‌عنوان زمینه



مطالعه متن و موضوع) باشد. این تقسیم‌بندی بافت یکپارچه شده، ضمن این که جایگزینی برای پیچیدگی‌ها و گوناگونی‌های مربوط به بافت می‌شود، این امکان را نیز فراهم می‌آورد تا قسمت‌های مختلف یکدست شده، همراه با یکدیگر، مجموعه‌ای متشکل از لایه‌های هم‌جنس و مشابه را پدید آورند که مطرح کردن مسائل زنان در هر یک از این لایه‌ها، قابلیت تسری به سایر لایه‌ها را داشته باشد. همچون لکه جوهری که روی یک صفحه از یک کتاب می‌چکد و به سایر صفحات نیز نفوذ می‌کند.

همنشینی واژه‌ها در تنظیم تیتیر متن‌های بی‌بی‌سی فارسی درباره زنان ایرانی، به‌گونه‌ای شکل می‌گیرد که گویی نادیده گرفتن زنان در یک سیستم مردسالار، امری بدیهی و کاملاً فراگیر و پایدار است و این متن‌های رسانه‌ای، گویی فقط چرایی آن را مورد توجه قرار می‌دهند و هیچ نشانه نوشتاری‌ای مبنی بر لزوم اصلاح یا راهکار برای ایجاد تغییر و دگرگونی در آنها دیده نمی‌شود. این چرایی گاه با مطرح کردن تیتیر به شکل پرسشی همراه است، در حالی که نوع پرسش مطرح شده و کلمات به کار رفته، پیشاپیش پاسخی را تداعی می‌کنند که مطلوب رسانه منتشر کننده مطلب است. مانند:

- چرا زنان قهرمان داستان‌ها و افسانه‌ها نمی‌شوند؟ (تیتیر مطلب. تارنمای بی‌بی‌سی فارسی/ ۲۷ مهر ۱۳۹۸)

- بوروکراسی مردسالار؛ سهم زنان از مدیریت شهری تهران چقدر است؟ (تیتیر مطلب. تارنمای بی‌بی‌سی فارسی/ ۱۰ مهر ۱۳۹۷)

- بحران سیل، آیا زنان قربانیان اصلی فجایع طبیعی هستند؟ (تیتیر مطلب. تارنمای بی‌بی‌سی فارسی/ ۲۳ فروردین ۱۳۹۸)

و گاه نیز، با وجود این که تیتیرها حالت پرسشی ندارند، اما با ایجاد نوعی محور همنشینی، دو گانه‌ای را پدید می‌آورد که علاوه بر ایجاد پرسش در نوع بیان، راه‌گریز قابل‌تصور از میان‌شان باقی نمی‌گذارد:

- زنان در معماری، محدودیت یا ترس از خطر کردن (تیتیر گزارش. تارنمای بی‌بی‌سی فارسی/ ۱۴ آذر ۱۳۹۷).

در این تیتیر، موضوع ورود زنان به عرصه معماری، عملاً با دو گزینه مواجهه داده می‌شود، «محدودیت» به معنای موانع و مشکلاتی که با ارجاع به کلمه «زنان»، این مسئله را به جنسیت ایشان ربط می‌دهد و همچنین «ترس»، به مفهوم و نشانه شریطی که ورود به آن برای زنان با



نگرانی‌های متعدد از شرایط و دشواری‌های مسیر همراه است که البته شرایط غیر فردی و زمینه‌ای تحمیل شده از بیرون، با عبارت «خطر کردن»، مجسم می‌شود.

۵-۲. سلب حقوق و آزادی‌های اجتماعی زنان

از ۲۳ متن مورد مطالعه در این بخش، ۲۲ عنوان در همان تیتر خود، به موضوع متن اشاره مستقیم دارند و کلید واژه‌هایی را استفاده می‌کنند که نمایانگر منظور نظر رسانه یاد شده در این بخش، یعنی سلب حقوق و آزادی‌های اجتماعی زنان در ایران و ایجاد محدودیت‌های تحمیلی برای ایشان است. محدودیت، اجبار، خشونت، سرکوب، قفس، حقوق زنان، ممانعت و زن‌ستیزی، نشانه‌هایی هستند که همگی در تیتر متن‌ها تکرار شده و در کنار سایر نشانه‌های نوشتاری، بستری را ترسیم و توصیف کرده‌اند که فضایی تنگ و موانعی متعدد را برای زنان ایجاد کرده است. این نکته در تیتربهایی مانند نمونه‌های زیر، به وضوح قابل مشاهده است:

- انقلاب و زنان، اجباری شدن حجاب و باقی محدودیت‌ها در آینه مطبوعات آن روزها (تیتر

مطلب. تارنمای بی‌بی‌سی فارسی/۱۳ بهمن ۱۳۹۷)

- آزادی در قفس؛ واکنش‌ها به حفاظ‌کشی و توقف بلیت فروشی به زنان (تیتر مطلب.

تارنمای بی‌بی‌سی فارسی/۱۷ مهر ۱۳۹۸)

- حجاب/اجباری و ترویج خشونت علیه زنان. (تیتر مطلب. تارنمای بی‌بی‌سی فارسی/۳ آذر ۱۳۹۷)

- حقوق زنان در دولت روحانی، آیا وعده‌ها برای کشاندن زنان به پای صندوق رأی بود؟

(تیتر مطلب. تارنمای بی‌بی‌سی فارسی/۱۷ شهریور ۱۳۹۷)

- زنان در آزادی، از پوشش اختیاری تا سکوهایی اجباری (تیتر مطلب. تارنمای بی‌بی‌سی

فارسی/۲۵ آبان ۱۳۹۷)

- موتورسواری زنان؛ قانون سلاکت است، شرع منع کرده است (تیتر گزارش. تارنمای

بی‌بی‌سی فارسی/۱۶ مرداد ۱۳۹۸).

واژه «آزادی» به‌عنوان یکی از اصول نام برده شده در جریان انقلاب اسلامی ایران و پس از آن، به دلیل ارزش مفهومی و استفاده برای نامگذاری مکان‌های مختلف در ایران، از جذابیت زیادی برای کارکرد استعاری و کنایی در رسانه‌ای همچون بی‌بی‌سی فارسی برخوردار است. «آزادی در قفس؛ واکنش‌ها به حفاظ‌کشی و توقف بلیت فروشی به زنان»، عنوان مطلبی است که برای گزارش جریان بلیت فروشی به زنان برای دیدار تیم‌های ملی فوتبال ایران و کامبوج (در تاریخ پنجشنبه، ۱۸ مهر ۱۳۹۸) برگزیده و استفاده شده است.



از منظر اختصاص این گزارش به یک ورزشگاه خاص که آزادی نام دارد، ذکر حرف اضافه «در» و واژه «قفس»، در پی نام ورزشگاه، کارکردی متناقض^۱ و کنایی دارد. این ورزشگاه می‌توانست هر نام دیگری داشته باشد، اما در آن صورت، احتمالاً با شکل دیگری از مفهوم نشانه‌شناسانه روبرو می‌شدیم. برای سهولت بیان مطلب، فرض می‌کنیم که ورزشگاهی با یکی از حروف الفبا نامگذاری شده است، مانند ورزشگاه «ب» یا B. در این صورت اگر با این پیش‌زمینه که ورزشگاه ب، نامی شناخته شده برای مخاطبان است یا کلمه ورزشگاه هم در عنوان مطلب به کار می‌رفت، با عبارت «ب در قفس» یا «ورزشگاه ب در قفس» روبرو بودیم. برداشت از این عبارت، می‌توانست نوعی مجاز تلقی شود، چرا که بیشتر، بیان‌کننده مفهومی مانند برگزاری مسابقه در ورزشگاه ب، در میان تدابیر شدید امنیتی و تحت کنترل فراوان بود. یعنی چیزی مشابه علاقه ظرف و مظلوف در انواع مجاز و ذکر ظرف (ورزشگاه) برای اراده مظلوف (مسابقه ورزشی) (سجودی، ۱۳۸۳: ۱۲۷).

اما واژه آزادی، به دلیل بار معنایی کلمه و مفهوم خاص آن، وقتی با عبارت «در قفس» همراه می‌شود، بیش از آن که به برگزاری مسابقه در ورزشگاه آزادی در میان کنترل و فضای امنیتی شدید اشاره داشته باشد (که تا حدودی دارد)، کنایه‌ای^۲ است به تضادی که میان واژه‌های آزادی و قفس وجود دارد، زیرا آزاد بودن در قفس، عملاً بی‌معنا می‌نماید و حامل پیامی طنزآمیز و کنایی است.

هنگامی که به مضمون متن و گزارش دقت کنیم، متوجه خواهیم شد که مقصود نویسنده و منتشر کننده متن، نه اصرار و تأکید بر محصور بودن فیزیکی ورزشگاه آزادی، که ایجاد محدودیت در داخل آن است. اصرار بر ترکیب آزادی در قفس، در راستای تداعی مکان‌های مشابه با رویکردها و محدودیت‌های مشابه (به‌زعم رسانه یاد شده)، حکایت از موانع مرئی و نامرئی‌ای دارد که در اطراف ورزشگاه‌های مردانه ایجاد شده‌اند تا مانع حضور زنان تماشاچی در این محل‌ها باشند. بنابراین، از منظر مشابهت شرایط، (ورزشگاه) آزادی، استعاره‌ای است از همه محل‌های ممنوع و محدود شده برای زنان، و برداشتن واژه ورزشگاه از این عبارت، بر مفهوم و اثرگذاری این تعمیم، به میزان زیادی افزوده است. آن چنان که در لایه‌هایی دیگر، که از

^۱. paradoxical

^۲. فرزانه سجودی در کتاب نشانه‌شناسی کاربردی (صفحه ۱۲۹)، کنایه را معادل واژه فارسی خلاف‌آمد و واژه انگلیسی irony قرار داده است.



تکه‌های همان بافت یکدست شده تشکیل شده‌اند، دیگر فقط شامل محدودیت‌ها در فضاهای ورزشی نمی‌شود، بلکه طعنه‌ای به مفهوم آزادی در تمامی لایه‌ها و زمینه‌های دیگر می‌زند و آزاد بودن را در چارچوب‌ها و محدوده‌هایی تنگ و محصور و تعیین شده از بالا دست معرفی می‌کند که عملاً واژه آزادی را از مفهوم اصلی آن تهی می‌سازد و آزاد بودن در این شرایط را، همچون طنزی عریان، زیر سؤال می‌برد. البته همه این اشاره‌های نشانه‌ای القائی، به دلیل استفاده از کلمه آزادی برای نامیدن اصلی‌ترین و شناخته شده‌ترین ورزشگاه ایران، امکان‌پذیر شده است. شایان ذکر است که انتخاب متن یاد شده در این بخش، علی‌رغم ارتباط آن با فضای ورزشی، به دلیل مفهوم گسترده‌تر و تسری پیدا کرده آزادی به حیطه‌های دیگر در این مطلب و به شمار آوردن حق ورود به محل‌های عمومی به عنوان یکی از حقوق اجتماعی بوده است.

۵-۳. تلاش‌ها، مبارزات و محاکمه زنان

بخش دیگری از متن‌های مورد مطالعه بی‌بی‌سی فارسی درباره زنان ایرانی، جنبش‌ها و مبارزات زنان برای احقاق حقوق خود، تلاش‌ها برای فعالیت در عرصه رسمی و حکومتی ایران (که به ادعای این رسانه، محیطی کاملاً مردانه و مردسالارانه دارد) و مواجه شدن زنان با محاکمه و مجازات به دلیل فعالیت‌های گوناگونشان است. در این بخش نیز، کلیدواژه‌ها و نشانه‌های مختلفی در ۱۲ عنوان از تیتورها، به صورت مستقیم به موضوع اشاره دارند که برخی از این تیتورها عبارتند از:

- از /وین با عشق، دومین نمایشگاه کارهای دستی زندانیان سیاسی زن (تیترا گزارش. تارنمای بی‌بی‌سی فارسی/ ۶ مهر ۱۳۹۸).
- انتخابات شورای شهر، زنی تنها در میان صف مردان (تیترا مطلب. تارنمای بی‌بی‌سی فارسی/ ۲۴ اردیبهشت ۱۳۹۶).
- چهار دهه جنبش زنان از اسفند ۵۷ تا اسفند ۹۷ (تیترا مطلب. تارنمای بی‌بی‌سی فارسی/ ۹ اسفند ۱۳۹۷).
- حکم یک سال زندان برای شش خواننده زن و هشت مرد در ایران تأیید شد (تیترا گزارش. تارنمای بی‌بی‌سی فارسی/ ۲۳ مهر ۱۳۹۸).
- دستور بازداشت یک هنرپیشه زن در ایران به اتهام توهین به امام حسین (ع) (تیترا مطلب. تارنمای بی‌بی‌سی فارسی/ ۲۰ شهریور ۱۳۹۸).



- سحر تبر، پخش/اعترافات تلویزیونی چهره اینستاگرامی (تیترا مطلب، تارنمای بی‌بی‌سی فارسی/ ۱ آبان ۱۳۹۸).

- هنگامه برچی: خوشحالم که در جنبش زنان ایران سهمی داشتم (تیترا مطلب، تارنمای بی‌بی‌سی فارسی/ ۱۷ اسفند ۱۳۹۷).

به‌جز نشانه‌های نوشتاری‌ای که دلالت بر محاکمه، حبس، اتهام و زندان در تیتراهای یاد شده دارند و با عنوان کردن نقش یا نام زنانی که روایت جهت‌دار برخورد قانونی با آنها در این گزارش‌ها و متن‌ها ذکر شده است، مسئله مجازات شدن زنان به‌دلیل فعالیت‌هایشان مورد توجه و اشاره قرار گرفته است، در گزارشی با عنوان «از اوین با عشق، دومین نمایشگاه کارهای دستی زندانیان سیاسی زن»، کلمه «اوین»، در بی‌نشانه‌ترین حالت خود قرار دارد، اما به واسطه پیشینه‌ای که از آن در ذهن مخاطبان عموماً ایرانی وجود دارد، واژه «اوین»، جانشین کلمه زندان می‌شود و مشخص می‌کند که این مطلب، درباره کسانی است که در زندانی با نام اوین محبوس هستند. محور همنشینی بین کلمه «اوین» و واژه «عشق» (که در دلالتی معنایی، یادآور زنانگی نیز هست)، می‌تواند اشاره‌ای باشد به زنان زندانی و بخش دوم تیترا، تکمیل‌کننده منظور اصلی رسانه به‌شمار می‌رود.

مطلب دیگری با عنوان «سحر تبر، پخش اعترافات تلویزیونی چهره اینستاگرامی»، درباره دختر جوانی است که به‌دلیل فعالیت در فضای مجازی، بازداشت شده و مورد محاکمه قرار گرفته است. عبارت چهره اینستاگرامی در اینجا (و به تنهایی)، به معنای فرد یا افرادی که در نرم‌افزار کاربردی اینستاگرام، دارای دنبال‌کننده‌های چند صد هزار یا چند میلیون نفری هستند و عموماً شهرت خود را از فعالیت در همین فضای تعاملی به دست آورده‌اند، بدون اشاره به جنسیتی خاص، در بی‌نشانه‌ترین حالت خود قرار دارد. با قرار گرفتن نام سحر در ابتدای این عنوان و لقب شناخته شده او در فضای مجازی، جنسیتی زنانه به «چهره اینستاگرامی» بخشیده می‌شود و به‌ویژه، عکس و نام سحر (در کنار لقب ذکر شده)، نسبت به نام اصلی و شناسنامه‌ای این فرد، بیشتر به جوان بودن او اشاره دارد. سرانجام، ذکر شدن عبارت پخش اعترافات تلویزیونی، بین نام شخصیت مورد اشاره و عبارت چهره اینستاگرامی، بافت تازه‌ای به مفهوم این متن رسانه‌ای بخشیده است که حکایت از اجبار ایجاد شده برای سحر، به‌منظور اعتراف به تقصیرهایش، در مقابل دوربین رسانه رسمی دارد. چرا که عبارت اعتراف تلویزیونی در متن‌های رسانه‌ای و گزارش‌های خبری رسانه‌های خارجی فارسی‌زبان، ضمن ارجاع به



متن‌های مشابه معاصر (که مارسل دانسی با عنوان تحلیل زیگزاگی از آن یاد می‌کند) (دانسی: ۳۳۱ و ۳۳۲)، نظمی دلالت‌کننده پدید آورده است که تداعی‌کننده اعتراف (گفتاری و دیداری) به بزه نسبت داده شده به فرد اعتراف‌کننده و پذیرفتن جرم متناسب به خود، در مقابل دوربین تلویزیونی و پخش آن اعتراف‌ها از تلویزیون رسمی و سراسری ایران است (و نه از طریق یک شبکه محدود محلی یا خصوصی).

از دیدگاه بی‌بی‌سی (در بند پایانی مطلب)، سحر، یکی از متهمانی است که در تلویزیون ایران به اعتراف اجباری پرداخته و همچون دیگر متهمانی است که پس از آزادی، از اجبار به اعتراف دروغ علیه خود، صحبت کرده‌اند. در واقع، محور هم‌نشینی به کار رفته در عنوان (تیترا) مطلب، با نشاندار کردن شخصیت محوری گزارش ادامه یافته و به محور جانشینی، خاتمه پیدا کرده است. می‌توان گفت که هویت مورد نظر این رسانه از زنان، به موقعیت‌ها یا بافت‌هایی که مسائل ایشان را در آن مورد بررسی، تحلیل و تفسیر قرار می‌دهد، بستگی پیدا می‌کند و از این رو، با هویت و شرایط دیگرانی که با همین مسائل یا مشابه اینها، مواجه یا درگیر بوده‌اند، مشابهت و همسانی می‌یابد و جایگاه شخصیت‌های مورد بحث در متن‌ها، به الگوهای یکدست و همانند در بافتی مشخص محدود می‌شود که همه آنها، در همه متن‌ها، لایه‌ها و بافت‌ها، دستکم در یک نکته مشترک هستند: زن بودن (داشتن جنسیت زن). پیوند دادن و تسری بخشیدن این چینی مسائل، به نحوی که با بازگو کردن هر یک، ذهن مخاطب را متوجه کلید واژه‌هایی خاص بسازد و مفاهیم و تصاویر ذهنی مشخصی را در نزد او بازنمایی کند، مشابه کارکردی است که بارت با مفهوم لنگر یا لنگر اندازی^۱ از آن یاد می‌کند. بارت در کتاب تصویر، موسیقی، متن، به تأثیر و کارکرد لنگر (اندازی) و باز تکرار (باز پخش) کردن، در چگونگی برداشت و دریافت پیام‌های زبان‌شناختی، اشاره دارد. «به عبارت دیگر، به نظر او، برخی عناصر متن می‌توانند حکم لنگری تثبیت‌کننده را بازی کنند و جلوی شناوری نشانه‌های متنی را بگیرند. برای مثال، عناصر زبانی ممکن است خوانش‌های ممکن از یک تصویر را به خوانش‌های مرجح بخصوصی محدود کنند: یا به عبارتی، زنجیره شناور مدلول‌ها را به ثبات بکشانند» (سجودی، ۱۳۸۳: ۱۵۸).

بنابراین، از این منظر، بی‌بی‌سی فارسی، تعریف و هویت یکسان زن بودگی را برای سوژه‌های مورد نظر خود بر می‌گزیند و از روایت‌های آنان، گزیده‌های مشابهی را انتخاب می‌کند که در

1. anchorage



بافت‌ها و لایه‌های مورد اشاره در متن‌ها، شرایط و سرانجام کم و بیش مشابهی داشته‌اند یا تجربه کرده‌اند.

۴-۵. محدودیت‌ها در ورزش زنان

نکته قابل توجه در مطالعه متن‌های این پژوهش، اختصاص بخش قابل توجهی از آنها به ورزش زنان و وجود محدودیت‌ها در این زمینه برای ورزشکاران و علاقه‌مندان زن به ورزش بود که به همین دلیل در بخش جداگانه‌ای مورد تحلیل قرار گرفت. آنچه که در بی‌بی‌سی فارسی درباره ورزش زنان و علاقه‌مندان زن به ورزش، مورد توجه بیشتری قرار گرفته است، وجود محدودیت‌های گوناگون و اعمال شده از طرف مراکز قدرت مردانه است که موجبات ایجاد محدودیت‌ها و مشکلات مختلف در زمینه‌هایی همچون پوشش ورزشکاران زن، مشکلات ایجاد شده برای علاقه‌مندان زن به ورزش، ممنوعیت رشته‌های ورزشی و جرم‌انگاری برخی فعالیت‌ها در عرصه ورزش زنان را شامل می‌شود. در این بخش نیز، از ۱۱ متن مورد مطالعه، ۱۰ عنوان در تیتتر خود، به موضوع متن، اشاره مستقیم داشته‌اند. مانند:

- از حجاب تا نبودن اسپانسر، وضعیت ورزش زنان در ایران (تیتتر مطلب. تارنمای بی‌بی‌سی فارسی/۱۵ اردیبهشت ۱۳۹۸)

- اعتراض به لغو برنامه دوچرخه‌سواری زنان و مردان در تهران (تیتتر گزارش. تارنمای بی‌بی‌سی فارسی/۳۰ شهریور ۱۳۹۸)

- پرنیان: پوشش، مانع حضور کشتی‌گیران زن ایرانی در مسابقات (تیتتر گزارش. تارنمای بی‌بی‌سی فارسی/۲۸ شهریور ۱۳۹۸)

- زنان ایرانی و ورزش بدن‌سازی، از جرم‌انگاری تا اجبار به ترک کشور (تیتتر مطلب. تارنمای بی‌بی‌سی فارسی/۱۰ اردیبهشت ۱۳۹۸)

«پرنیان: پوشش، مانع حضور کشتی‌گیران زن ایرانی در مسابقات»، عنوان تیتتر یکی از گزارش‌های بی‌بی‌سی فارسی درباره زنان ورزشکار ایرانی و مشکلات آنان در راه ورزش حرفه‌ای است. آنچه در این تیتتر و در نگاه نخست، جلب توجه می‌کند، هم‌نشینی کلمات پرنیان و پوشش در کنار یکدیگر است. پرنیان، واژه‌ای که در زبان فارسی، به معنای نوعی پارچه حریر (ابریسمین) پر نقش و نگار است، در کنار کلمه پوشش، گویی نقشی تکمیل‌کننده دارد و به طرز ظریفی، از واژه پوشش، نقشی استعاری می‌سازد و حتی آن را نشاندار (صوری و معنایی) می‌کند. کلمه «پوشش»، به تنهایی، در بی‌نشانه‌ترین حالت خود قرار دارد، چرا که حتی اگر آن را ارجاع و



اشاره‌ای مستقیم به لباس دوخته شده از پارچه و ایلاف، به‌عنوان دست‌آفریده‌ای انسانی برای پوشانیدن بدن انسان بدانیم، باز هم بار معنایی جنسیتی از آن برداشت نمی‌شود و ارجاعی سر راست، به مردانه یا زنانه بودن ندارد. اما باز هم، ذکر شدن آن به خط و زبان فارسی در رسانه‌ای به نام بی‌بی‌سی فارسی، ذهن مخاطب را با توجه به مطالب مشابه در این رسانه، به سمت امری زنانه می‌برد (مانند گزارشی با عنوان: «آمریکا سرکوب رو به افزایش مدافعان آزادی پوشش زنان در ایران را محکوم کرد» تیتیر گزارش. *تارنمای بی‌بی‌سی فارسی* / ۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۸)، که البته با توجه به پیوند با سایر لایه‌های نشانه‌ای یاد شده، نه به معنای هر نوع لباس عادی و معمول، که رساننده مفهوم یک نوع خاص از پوشش رسمی و تعریف شده است که در متن‌های مختلف، با واژه «حجاب»، شناسانیده شده است.

اما در این تیتیر، همراه شدن کلمه پوشش با واژه پرنیان، که هم نوعی پارچه با کاربرد بیشتر زنانه (به‌دلیل جنس لطیف و پر نقش و نگار بودنش) است و هم در زبان فارسی، یک نام زنانه برای نامیدن افراد با جنسیت مؤنث (به‌عنوان اسم خاص) به‌شمار می‌رود، سبب می‌شود که واژه پوشش، کاملاً نقشی زنانه بیابد و جالب این که در تقابل با پرنیان، به‌عنوان پارچه‌ای با جنس لطیف و پر نقش و نگار و رنگارنگ که برای تهیه لباس استفاده می‌شود، قرار بگیرد. یعنی می‌توان گفت که با چنین تقابل مفهومی‌ای در هم‌نشینی این دو واژه، روبرو هستیم:

جدول شماره ۳- تقابل مفهومی و نشانه‌ای واژه‌های پرنیان و پوشش با توجه به نشانه‌های نوشتاری و کلامی

آشنا برای مخاطب متن.

پوشش	پرنیان
حجاب، ضخیم، پوشاننده سراسر بدن، کم نقش و نگار یا فاقد آن، معمولاً تک‌رنگ یا دارای رنگ‌های محدود، الزام‌آور (الزامی) در فضاهای عمومی، لباس رسمی و دیکته شده از طریق نظارت قانونی و شرعی.	پارچه‌ای از جنس حریر (ابریشم)، ظریف، سبک، لطیف (نازک)، پر نقش و نگار، رنگارنگ، قابل انتخاب آزادانه به‌عنوان لباس (سلیقه‌ای).

بنابراین، پرنیان را در این جمله و ترکیب، می‌توان استعاره‌ای از لباس قابل انتخاب و آزادانه به حساب آورد و پوشش را استعاره‌ای از حجاب اجباری دانست. بدیهی است که این اشاره‌های نشانه‌ای و تقابل مفاهیم، بدون ارجاع و پیوند با لایه‌ها و بافت‌های دیگری که ذکر شد (زبان و ادبیات فارسی و متن‌های مرتبط با آن، رسانه محل نشر و متن‌های آن درباره مسائل زنان، زمینه

اجتماعی و اخبار و مطالب و گزارش‌ها دربارهٔ مسائل مربوط با این متن و گزارش) قابل دریافت و تداعی نیستند.

اما نکته دیگر، علامت‌گذاری جمله در تیتیر یاد شده است که نشان می‌دهد، مطلب گفته شده در تیتیر، نقل قول از فردی با نام پرنیان است که اگر چه یک زن و مرتبط با ورزش کشتی (داور کشتی) است، اما پرنیان، نه نام کوچک او، که نام فامیلی وی است. بنابراین، بخشی از نام او برای عنوان گزارش انتخاب شده است که بتواند بیشترین اشاره نشانه‌ای را در همنشینی با واژه پوشش و ادامه تیتیر گزارش، دارا باشد.

۶. نتیجه‌گیری

امروزه کارکرد نشانه‌شناسی در تهیه متن‌های رسانه‌ای، بیش از هر زمان دیگری مورد توجه قرار گرفته است. سعی و تمرکز رسانه‌ها بر این است تا با استفاده از نشانه‌ها و ارجاع‌ها در شبکه بسیار گسترده‌ای از متن‌های گوناگون، در جذب و اقناع مخاطبان‌شان موفق‌تر عمل کنند و ذهن و حواس آنان را همواره همراه با خود نگاه دارند. بی‌بی‌سی فارسی نیز در یک دهه اخیر، با توجه به رویکردهای خاص و گسترش فعالیت‌های رسانه‌ای خود، بخش بیشتر و تعداد پر شمارتری از مطالب و گزارش‌های خود را به مسائل مربوط به زنان ایرانی اختصاص داده است. تفاوت رویکرد بی‌بی‌سی فارسی به این مسائل در مقایسه با سایر رسانه‌های فارسی‌زبان در خارج از ایران، ایجاد مجموعه‌ای به هم پیوسته از متن‌های رسانه‌ای است که با ارجاع‌ها و پیوندهای متعدد به یکدیگر، مفاهیم خاص و مورد نظر رسانه یاد شده را تداعی و بازنمایی می‌کنند.

تحلیل محتوای کیفی متن‌های مورد مطالعه از نظر به کار بردن مفاهیم و کلید واژه‌های مربوط به گرایش‌های چهارگانه فمینیسم، یاد شده در بخش میانی نظری، حکایت از فراوانی بیشتر گرایش فمینیسم رادیکال در میان متن‌های یاد شده دارد. این نکته در جدول شماره ۴ قابل مشاهده است.





جدول شماره ۴- تعداد مطالب با کلیدواژه‌های مربوط به گرایش‌های مختلف فمینیسم در دسته‌بندی متن‌های مورد مطالعه از بی‌بی‌سی فارسی.

تعداد مطالب با کلیدواژه‌های مربوط به فمینیسم رادیکال	تعداد مطالب با کلیدواژه‌های مربوط به فمینیسم سوسیالیست	تعداد مطالب با کلیدواژه‌های مربوط به فمینیسم مارکسیست	تعداد مطالب با کلیدواژه‌های مربوط به فمینیسم لیبرال	تعداد عنوان	موضوع کلی براساس جدول ۱	ردیف
۹	۲	۱	۳	۱۵	نادیده گرفته شدن و محو عمدی نقش اجتماعی زنان	۱
۱۹	۳	۰	۱	۲۳	سلب حقوق و آزادی‌های اجتماعی زنان	۲
۱۳	۱	۲	۰	۱۶	تلاش‌ها، مبارزات و محاکمه زنان	۳
۷	۲	۰	۲	۱۱	محدودیت‌ها در ورزش زنان	۴
۴۸	۸	۳	۶	۶۵	مجموع کل	

بی‌بی‌سی فارسی، با وسواس و از روی عمد، نسبت به انتخاب واژه‌ها و هم‌نشینی آنها اقدام می‌کند تا مفاهیم و تصاویر ذهنی مطلوب خود را در نزد مخاطب بازنمایی و ایجاد نماید و با بهره بردن از ابزارهای نشانه‌شناسی همچون محورهای هم‌نشینی و جان‌نشینی و نشاندار کردن و همچنین فنون مختلف بلاغی مانند مجاز، کنایه و استعاره، کلماتی را (به‌ویژه) برای تیتربندی مطالب و متن‌های خود بر می‌گزیند که منظوری و رای آن عنوان را تداعی می‌نماید؛ چرا که با ساده کردن بافت و زمینه اصلی رویدادها و تقسیم آنها به قطعات مختلف (براساس بستر اتفاق‌ها) و ایجاد پیوستگی میان آنها همچون لایه‌هایی از یک زمینه اصلی، بستری را فراهم آورده است که عنوان کردن و برجسته کردن هر روایت در هر یک از این لایه‌ها و قطعه‌ها، قابلیت تسری مفاهیم و کلید واژه‌های مورد نظر این رسانه به سایر لایه‌ها را داشته باشد و بر تضاد آشکار و شکاف عمیقی که در نگاه کلان، میان حکومت و جامعه ایران ادعا و بازنمایی می‌کند، تأکید کند. تصویر کلی ایران امروزی بر اساس نشانه‌ها و مفاهیم انعکاس یافته در متن‌های مورد مطالعه و تحلیل از بی‌بی‌سی فارسی درباره زنان ایرانی، کشوری مردسالار است که طبقه مردان حاکم در آن، با وضع قوانین سخت‌گیرانه و عموماً با نادیده گرفتن قواعد بین‌المللی، حقوق فردی و اجتماعی زنان را تضييع می‌کند، در راه پیشرفت، استقلال و ارتقای نقش اجتماعی ایشان ایجاد



محدودیت و مانع می‌کند و عملاً با عقب راندن آنها به‌عنوان جنس ضعیف‌تر، حضور آنان در جامعه و سیستم رسمی کشور را نادیده می‌انگارد.

نتایج پژوهش‌ها و مطالب مشابه با موضوع مقاله حاضر نیز، تمرکز فراوان این رسانه بر موضوع‌های مذهبی، اجتماعی، سیاسی و حقوقی و تأثیر رویکردهای فمینیستی، به‌ویژه نوع رادیکال آن، بر متن‌ها و خبرهای مربوط به زنان ایرانی را در بی‌بی‌سی فارسی، نشان می‌دهند. از مهم‌ترین ویژگی‌های قابل مشاهده در برنامه‌ها و متن‌های یاد شده این رسانه، تلاش بر ارائه‌ی طرحی یکدست و همگن از مجموع مطالب منتشر شده، با پیوندها و ارجاع‌های متعدد به یکدیگر است که آنها را واجد مطالعه‌ی نشانه‌شناسانه می‌کند و تا حد زیادی، وجه تمایز محتوایی بین متن‌های بی‌بی‌سی فارسی، با متن‌ها و مطالب غالباً پراکنده منتشر شده، به‌وسیله سایر رسانه‌های فارسی‌زبان، به شمار می‌رود. این شبیه همان چیزی است که مارسل دانسی، از آن، به‌عنوان هم‌متن یاد می‌کند.

۷. پیشنهادهای رسانه‌ای

- در برنامه‌ای کارشناس محور و بر اساس یافته‌های این مقاله علمی، رویکرد فمینیستی (گرایش فمینیسم رادیکال) بی بی سی فارسی در پرداختن به زنان ایرانی با نگاه انتقادی بررسی شود.
- برای مقابله با جنگ روایت‌ها و بازنمایی مغرضانه رسانه‌های غربی از جامعه ایران، تبیین حقایق، دستاوردها و آموزش سواد رسانه‌ای به‌صورت فراگیر و در سطوح مختلف اجتماعی، از مهم‌ترین فعالیت‌هایی است که با کمک گرفتن از اندیشمندان و خبرگان عرصه رسانه، در قالب‌های گوناگون و به‌وسیله برون‌مرزی صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، قابل انجام است.
- آشنا کردن مخاطبان رسانه‌های برون‌مرزی با نشانه‌شناسی و کاربرد آن در عرصه رسانه‌ها به زبان ساده و در قالب برنامه‌های دیداری و شنیداری، برای درک لایه‌های ضمنی متون رسانه‌ای حائز اهمیت است.
- اهمیت دارد که فی‌السابق در در رسانه‌های برون‌مرزی صداوسیما در انتخاب مجری و کارشناس، از مردان و زنان به‌صورت متناسب استفاده شود.



- در گزارش‌های خبری که برای پوشش و بازتاب جریان‌های اجتماعی ایران جهت پخش در شبکه‌های تلویزیونی و رادیویی برون‌مرزی تولید می‌شود، به استفاده از زنان به‌عنوان شهروند تأکید ویژه شود.
- اهمیت دارد تولید مستنداتی که مشارکت اجتماعی مؤثر زنان ایران در همه عرصه‌ها، حمایت اسناد بالادستی کشور از این مشارکت مؤثر و محورها و تکنیک‌های سیاهه‌نمایی رسانه‌های غربی از جمله بی‌بی‌سی در این خصوص را نشان می‌دهد، افزایش یابد.
- تولید مستمر مستندهای ویژه درباره حضور زنان محجبه و ورزشکار ایرانی در مسابقات بین‌المللی و موفقیت‌های آنان و همچنین تأثیر آنها در گرایش زنان دیگر کشورهای اسلامی برای حضور باحجاب در مسابقات بین‌المللی، اهمیت دارد.
- با اشاره به برخی از حوادث خشونت‌آمیز نظیر قتل سارا اورارد، دختر ۳۳ ساله توسط پلیس هوس‌باز لندن، به فجایعی که نگاه مکاتب غربی برای زنان به‌عنوان ابزار نظام سرمایه‌داری ایجاد کرده است، از زبان کارشناسان پرداخته شود.
- در قالب گزارش‌های ویژه، علل افزایش جنبش‌های اعتراض زنان در غرب علیرغم ادعای آزادی و برابری لیبرال دموکراسی غربی، از زبان کارشناسان تبیین گردد.

منابع

- آبوت، پاملا و والاس، کلر (۱۳۸۷)، **جامعه‌شناسی زنان**، ترجمه منیژه نجم عراقی، تهران: نشر نی.
- بارت، رولان (۱۳۷۵)، **اسطوره، امروز**، ترجمه شیرین‌دخت دقیقیان، تهران: نشر مرکز.
- تبریزی، منصوره (۱۳۹۱)، «تحلیل محتوای کیفی از منظر رویکردهای قیاسی و استقرایی»، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۶۴، صص ۱۳۸-۱۰۵.
- دانشی، مارسل (۱۳۸۸)، **نشانه‌شناسی رسانه‌ها**، ترجمه گودرز میرانی بهزاد دوران، تهران: نشر چاپار.
- ریو- سارسه، میشل (۱۳۸۵)، **تاریخ فمینیسم**، ترجمه عبدالوهاب احمدی، تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- سجودی، فرزانه (۱۳۸۳)، **نشانه‌شناسی کاربردی**، تهران: نشر قصه.
- فراهانی‌بورقانی، مریم (۱۳۹۳)، «نشانه‌شناسی و روایت‌شناسی ارتباطات کلامی و غیرکلامی اخبار شبکه بی‌بی‌سی فارسی»، **فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی**، شماره ۴ (پیاپی ۸۰)، صص ۱۲۸-۱۰۵.
- فرشی‌همایون‌روز، پریچهر (۱۳۸۳)، **بررسی و مطالعه تحلیلی پیکرک‌های زنان در فلات مرکزی ایران در عهد نوسنگی** (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)، دانشگاه تربیت مدرس، ایران.
- زکریایی کرمانی، ایمان، الستی، احمد، حمیدزاده، عبدالله (۱۳۹۷)، «اکاوی نحوه معناسازی در فیلم مستند «رضا» از مجموعه «روایت فتح» بر اساس شیوه‌های (بیل نیکولز) و الگوی تحلیل پنج سطحی (رولان بارت)»، **فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی**، شماره ۹۵، صص ۶۵-۳۷.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۱)، **جامعه‌شناسی**، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- محمدخانی‌ملکوه، محمد (۱۳۹۰)، **بررسی ساختار و محتوای برنامه‌های شبکه تلویزیونی ماهواره‌ای بی‌بی‌سی فارسی**، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- محمدخانی‌ملکوه، محمد و فتحی، ابراهیم (۱۳۹۰)، «بررسی محتوای برنامه‌های شبکه تلویزیونی ماهواره‌ای بی‌بی‌سی فارسی»، **مجله مطالعات فرهنگ- ارتباطات**، شماره ۴۵، صص: ۱۵۴-۱۲۳.
- میشل، آندره (۱۳۸۳)، **جنبش زنان** (فمینیسم)، ترجمه هما زنجانی‌زاده، مشهد: نشر نیکا.
- نعمتی‌انارکی، داوود، فرامرزیانی، سعید و بسطامی، حسن (۱۳۹۰)، «مقایسه تطبیقی اخبار زنان در سایت‌های واحد مرکزی خبر، بی‌بی‌سی فارسی و صدای آمریکا در سال ۱۳۸۸»، **مجله جهانی رسانه- نسخه فارسی**، دوره ۶، شماره ۲، شماره پیاپی ۱۲، صص: ۱۵۰-۱۳۰.
- Bradley Patricia (2003), **Mass Media and the Shaping of American Feminism 1963-1975**, Oxford: University press of Mississippi.



- Buchanan, Ian & Clair Colebrook (2000), **Deleuze and Feminist Theory**, Edinburgh: Edinburgh University Press.
- Harp, Dustin & others (2018), **Feminist Approaches to Media Theory and Research**, London: Palgrave Macmillan.
- Megarry, Jessica (2020), **The Limitations of Social Media Feminism** (No Space of Our Own), London: Palgrave Macmillan.
- Rich, Adrienne (1977), **Of Woman Born, Motherhood as Experience and Institution**, London: Virago.

